

بررسی تاثیر هزینه های اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران

غلامرضا گرائی نژاد^۱

حسین میرزایی^۲

مریم حاجی طاهری^۳

چکیده:

در این مقاله تلاش شده است تاثیر بودجه های امور اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران بررسی شود. در پژوهش حاضر با استفاده از داده های سری زمانی سالهای ۸۵-۱۳۵۷ و الگوی اقتصادسنجی VAR رابطه بین متغیرهای مورد مطالعه بررسی شده اند. نتایج توابع عکس العمل آنی، نشان می دهد که بودجه های امور اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی ایران و بهبود توزیع درآمدها طی دوره مذکور، اثر مثبت و معنی داری دارد. همچنین نتایج تجزیه واریانس نشان می دهد که بودجه های امور اجتماعی دولت از مهم ترین عوامل مؤثر بر تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی بوده و بیشترین درصد تغییرات این دو متغیر را توضیح می دهد. پس از آن، نرخ باسواد و انباشت سرمایه بیشترین درصد تغییرات تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی را به خود اختصاص می دهد. از این رو با توجه به تاثیر مثبت بودجه های امور اجتماعی دولت بر رشد و توزیع درآمدها، دولت باید در تخصیص منابع عمومی این امور را در اولویت قرار دهد و اگر از بودجه های عمومی دولت بنا به دلایلی کاسته شود، بودجه های امور اجتماعی ثابت باقی بماند یا به آن افزوده شود.

واژگان کلیدی: رشد اقتصادی، ضریب جینی، هزینه های دولت، هزینه های اجتماعی دولت

طبقه بندی JEL: H۵۰

۱. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، E.Mail: r_geraei@yahoo.com

۲. استادیار دانشکده اقتصاد و حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی E.Mail: : h_mirzaei@iauctb.ac.ir

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، E.Mail: mar.taehri@yahoo.com

مقدمه:

از آنجا که یکی از مسائل مهم اقتصادی کشورها، دستیابی به رشد اقتصادی پایدار و همچنین توزیع درآمد مناسب است حجم زیادی از تحقیقات اقتصادی کشور به بررسی پدیده رشد و توزیع درآمد به صورت عادلانه اختصاص یافته است. همچنین چگونگی و حجم دخالت دولت در اقتصاد به ویژه از طریق بودجه عمومی دولت یکی از مباحث مهم در بین کارشناسان اقتصادی است. همواره این سؤال مطرح بوده است که گستردگی دولت تا چه اندازه می‌تواند برای کشورها مفید باشد و موجبات رشد اقتصادی یا توزیع بهتر درآمدها را فراهم آورد. اکثر اقتصاددانان بر این باور هستند که دخالت نکردن یا در نقطه مقابل، دخالت کامل دولت در امور اقتصادی یک کشور می‌تواند اثر منفی بر رشد اقتصادی داشته باشد. از طرف دیگر این نکته نیز پذیرفته شده است که اندازه دولت و به ویژه دخالت دولت از طریق بودجه های سالانه و اثر آن بر رشد یا توزیع درآمد از کشوری به کشور دیگر با توجه به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و میزان توسعه یافتگی متفاوت خواهد بود.

در بررسی اثرات بودجه عمومی دولت بر پدیده های رشد و توزیع درآمد در بیشتر مقالات و پژوهش ها به کلیت بودجه عمومی پرداخته شده است و آنچه کمتر به آن پرداخته شده است آثار انواع هزینه های دولت بر رشد اقتصادی است. بررسی بودجه عمومی دولت و تأثیر آن بر رشد اقتصادی یا سایر متغیرها، به خودی خود، ممکن است نتایج نادرستی در پی داشته باشد. زیرا رأی به کوچک شدن اندازه دولت، در حالت کلی، می‌تواند هزینه های دولت در بخش اجتماعی به ویژه بودجه های آموزشی و بهداشتی را که می‌تواند دارای آثار اجتماعی مثبت و اثرات مثبت بر رشد اقتصادی باشد با کاهش مواجه سازد.

در این تحقیق، هزینه های اجتماعی دولت، دربرگیرنده فصول مختلف از بودجه عمومی از جمله آموزش، بهداشت، تأمین اجتماعی هستند که انتظار می رود پس از چند دوره و با فاصله زمانی نسبت به دوره خرج، هم بر رشد اقتصادی اثر مثبت داشته باشند و هم بهبود درآمد را نوید دهند.

امروزه سرمایه گذاری برای آموزش، یک عامل کلیدی در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی است. از سوی دیگر، مطالعات انجام شده در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، به طور عمده مؤید همبستگی مثبت و معنادار بین میزان تحصیلات و سطح درآمدها می‌باشند. از آنجا که سهم عمده درآمد ناشی از دستمزدهاست و با توجه به این که دستمزدها به شدت تحت تأثیر میزان مهارت های کسب شده و توانایی های ناشی از آموزش قرار دارد، می‌توان انتظار داشت که آموزش بتواند به تدریج از توزیع ناعادلانه درآمدها بکاهد و پراکندگی موجود در آن را تقلیل دهد. همچنین، هزینه های بهداشتی نیز از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی است که با افزایش سلامت جامعه و نیروی کار و در کنار سرمایه فیزیکی می‌تواند باعث پیشرفت اقتصادی کشور شود. در کشور ایران، که جمعیت آن جوان است، توجه به مخارج بهداشتی اهمیت فراوانی دارد و حفظ سلامت و تندرستی نیروی کار همراه با گسترش کمی و کیفی آموزش عمومی و عالی، می‌تواند در خدمت رشد اقتصادی ایران قرار گیرد. با توجه به انتظار تأثیر مثبت هزینه های اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها، در این تحقیق اثر بودجه امور اجتماعی دولت به طور خاص و جدا از کل بودجه عمومی دولت در طی سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵، بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران در کنار سایر عوامل اثرگذار، مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. مبانی نظری پژوهش:

در نظام آمارهای مالی دولت (GFS)، طبقه بندی عملیاتی هزینه های دولت به صورت بخش ها، گروه ها و طبقات صورت گرفته است که در آن «بخش» نشانگر اهداف عمده دولت است و «گروه ها و طبقات» ابزاری فرعی تر هستند که دولت به واسطه آن به اهداف خود نائل می

شود. در بودجه ایران، بخش، گروه و طبقات، به صورت امور، فصل و برنامه ظاهر می شوند. عملیات بودجه در ایران از امور شروع می شود. هر اموری از انشعابات فرعی تر به نام فصل و هر فصل از چندین برنامه تشکیل می-گردد. از ابتدای برنامه چهارم توسعه و بر اساس طبقه بندی عملیاتی جدید، بودجه دولت، شامل ۴ دسته از امور، ۲۱ فصل و ۱۸۴ برنامه شده است.

امور، مجموعه ای از کوشش های سازمان یافته همگن است که بخش عمده ای از وظایف دولت را دربر می گیرد. این ۴ امور شامل امور عمومی، امور دفاعی و امنیتی، امور اجتماعی و فرهنگی و امور اقتصادی است. امور اجتماعی و فرهنگی که در این پژوهش از آن نام برده شده است، مجموعه ای از وظایف دولت است که امکانات زیست مطلوب انسان را برای رسیدن به تعادل های اجتماعی فراهم می آورد. این امور شامل فصول مختلف از جمله آموزش، بهداشت و سلامت، رفاه و تامین اجتماعی و تربیت بدنی می باشد.

حال این پرسش مطرح می شود که مخارج دولت، یا اجزای مخارج دولت بر رشد اقتصادی یا توزیع درآمدها تاثیر مثبت دارند یا منفی؟ این پرسشی است که پاسخ آن از قبل روشن نیست و استدلال هایی در هر دو جهت بیان شده اند و مشاهدات و تحقیق ها هم در رد یا قبول هر یک از آثار مثبت و منفی آنها انجام یافته اند.

کالدور در سال ۱۹۶۶ به این نتیجه رسید که ضریب استفاده بالا از منابع بر رشد بهره وری بلندمدت اثر سودمندی دارد. بنابراین تا جایی که افزایش مخارج بخش عمومی به افزایش ضریب استفاده منجر شود بر رشد اقتصادی تاثیر مثبت می گذارد. میردال (۱۹۶۰) تاکید می کند که دخالت بیشتر دولت در اقتصاد می تواند رشد اقتصادی را تقویت کند زیرا می توان انتظار داشت تا اندازه ای برای کاهش نابرابری اجتماعی که از عوامل تعیین کننده رشد است عمل نماید. در رابطه با اثرات کند کننده مخارج دولت بر رشد اقتصادی، مهمترین نکته، اثر مختل کننده آن بر تصمیم های اقتصادی است که هنگام تامین مالی مخارج از طریق مالیات ایجاد می شود. الگوهای رشد مانند الگوهای بارو (۱۹۹۰) و کینگ و ریلو (۱۹۹۰) مالیات بندی را بین نرخ بازدهی خالص و ناخالص پس انداز قرار داده و به نرخ پایین تر انباشت سرمایه و در نتیجه رشد اقتصادی کمتر منجر می شود. به هر حای جدای از نتایج متفاوت پژوهش های انجام یافته، آنچه همگان به آن اذعان دارند تاثیر متفاوت هزینه دولتی در بر رشد در کشورهای ثروتمند و فقیر و انتظار تاثیر متفاوت از کل مخارج دولتی در مقایسه با اجزای آن یا تفکیک هزینه ای و سرمایه گذاری آن می باشد (برگستروم، ۲۰۰۰). با این ملاحظه، به اختصار نظراتی که اثر افزایش نقش پذیری دولت در تامین آموزش، سلامت و گسترش تامین اجتماعی را مورد نظر قرار داده اند مرور می شود

بسیاری از دانشمندان تمایز میان دو جامعه توسعه یافته و توسعه نیافته را با اختلاف بهره وری کل و میزان بازدهی نیروی کار جامعه قابل توضیح می دانند. علوم و فنون جدید بوسیله آموزش در وجود افراد ذخیره می گردد و با ارتقاء کیفیت و مهارت های انسانی، ظرفیت و قابلیت تولیدی اعضای جامعه به شدت افزایش می یابد. یک اقتصاد پیچیده در سطحی گسترده به ابزارهایی برای برقراری ارتباطات، ذخیره و بازایی دانش متکی است و آنچه می تواند انسان را برای بهره برداری از دانش و تکنولوژی در مسیر تولید و فعالیتهای اقتصادی مجهز و مهیا سازد آموزش و توجه به کیفیت نیروی کار است. در مطالعات مقایسه رشد اقتصادی بین کشورها سرمایه انسانی قدرت توضیح معناداری را داشته است. شولتز تاکید می کند که عوامل کلیدی تولید بهبود رفاه مردم فقیر، فضا، انرژی و زمین کشاورزی نیست، بلکه بهبود در کیفیت جمعیت و ارتقاء دانش آنهاست و جان لیج نیز خاطر نشان می سازد که توسعه ملل غرب بر کیفیت جمعیت استوار بوده است و رشدی که شولتز بر آن تاکید می کند به سرمایه گذاری در توانایی کارآفرینی بستگی دارد و در واقع گسترش آموزش است که کیفیت جمعیت را تغییر می دهد و به رشد اقتصادی کمک می کند. در ادبیات رشد اقتصادی نیز نقش های متعددی برای سرمایه انسانی مطرح شده است. بعضی از آن به عنوان یک عامل جداگانه تولید یاد می کنند مانند آثار منکیو رومر و ویل (۱۹۹۲). در برخی از نظریه ها به عنوان منبع و منشا فعالیت نوآورانه و در نتیجه نهاده مهمی در

پی ریزی دانش پایه محسوب شده است (ورس پاگن ۱۹۹۱). استرلین (۱۹۸۱) اندوخته یا ذخیره سرمایه انسانی را وسیله ای برای جذب فرآورده ها و اندیشه های کشف شده در جاهای دیگر دنیا و در نتیجه بهره برداری بهتر از توان بالقوه جامعه می داند. و بالاخره لوکاس (۱۹۸۸) می گوید سرمایه انسانی می تواند اثرات خارجی مثبت داشته باشد و وجود آن در یک فرد، بهره وری همکاران او را افزایش دهد.

رویکردهای مرتبط با ارتباط بین آموزش و نابرابری درآمدها به تفسیرهای متفاوتی از این ارتباط می پردازند. در منطق رویکرد سرمایه انسانی با این فرض که بازار کار نسبتاً همگنی برای تحصیلات کارگران و خدمات ناشی از آن وجود دارد مهارت های کسب شده در اثر آموزش یکی از عوامل اصلی افزایش بهره وری کارگران است. تحت شرایط رقابتی، در هنگام تعادل بازار، دستمزدها برابر با تولید نهایی است. یعنی رابطه علی زنجیره ای میان آموزش-بهره وری و درآمد وجود دارد بنابراین آموزش بیشتر به درآمد بالاتری می انجامد (ولوسو، به نقل از دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش ۱۳۸۰).

برای بررسی اثرات آموزش بر توزیع درآمدها گروهی از اقتصاددانان توابع درآمدی را ارائه نموده اند. به طور کلی درآمد هر فرد، در هر مقطع زمانی E_t ، تابعی از میزان هزینه ای است که در طی دوره قبل ($t-1$) برای آموزش او سرمایه گذاری شده است، C_{t-1} ، به علاوه هر شخص از یک ظرفیت درآمدی اولیه E_{t-1} برخوردار است، که ناشی از سرمایه گذاری آموزشی آشکار نبوده، بلکه تحت تاثیر عوامل موروثی و محیطی قبل از شروع دوره آموزشی است. چنانچه I نرخ بازده سرمایه گذاری های آموزشی باشد. درآمد هر فرد عبارتست از:

$$E_t = E_{t-1} + rC_{t-1}$$

اگر نسبت سرمایه گذاری به درآمد بالقوه را در دوره اولیه با $k_0 = C_0 / E_0$ نشان دهیم و سرمایه گذاری آموزشی برای t سال ادامه یابد معادله به صورت زیر در می آید:

$$\ln E_t = \ln E_0 + (rk)t$$

توزیع نسبی درآمد تابعی از نرخ بازده سرمایه گذاری در سرمایه انسانی (I)، توزیع سالانه تراکم سرمایه در امر آموزش (k)، توزیع سالهای سرمایه گذاری (t) و ارتباطات متقابل بین این توزیع ها می باشد. دو نوع رابطه بین آموزش و توزیع درآمدها مطرح شده است. رابطه مثبت بین آموزش و توزیع متعادلتر درآمدها، به این صورت مطرح می شود که سطح بالاتر تحصیلات ظرفیت درآمدی افراد را افزایش می دهد که این امر در درآمد متوسط آنها و در کارنامه اجرتی آنها در طول مشاغلشان منعکس می شود و نظریه سرمایه انسانی متکی بر این تشخیص است.

کارنوی و لوین (۱۹۸۵) معتقدند که آموزش و دخالت دولت در تامین آموزش هر چند می تواند در بازتولید روابط سلسه مراتبی و نابرابر نقش داشته باشد، اما به توسعه فرصت های اقتصادی برای گروه های اجتماعی پایین کمک می کند.

در مقابل، رابطه منفی بین آموزش و توزیع متعادلتر درآمدها به این صورت مطرح می شود که آموزش و پرورش در هر موردی تا آنجا که خود به طور نابرابر توزیع شده باشد، همچون عاملی در پراکندگی درآمدها عمل می کند. همچنین آموزش و پرورش می تواند عامل نابرابری بین افرادی باشد که به سطح یکسانی از تحصیلات رسیده اند. کیفیت آموزشی که فرا گرفته می شود خود نابرابر است و باعث تبعیض می شود. در زمینه اثر آموزش در تشدید نابرابری تودارو می گوید که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه این آگاهی بوجود آمده است که گسترش آموزش رسمی همیشه معادل با گسترش یادگیری نیست و توجه صرف دانش آموز

و معلم به کسب مدرک تحصیل ابتدایی و مدارک عالی تر، لزوماً با بهبود کارایی دانش آموز برای انجام دادن کار تولیدی همراه نیست. اکثر کارهایی که در زمینه اقتصاد آموزش در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه صورت گرفته است بر ارتباط بین آموزش، بهره‌وری کار و رشد تولید تأکید داشته است. در نتیجه اثر آموزش در توزیع درآمد و ریشه کن کردن فقر مطلق عموماً فراموش شده است. با وجود این، مطالعات اخیر نشان داده است که نظامهای آموزشی اکثر کشورهای در حال توسعه به جای اینکه نابرابری های درآمدی را کاهش دهند، آن را افزایش داده اند. دلیل اصلی این اثر معکوس آموزش رسمی در توزیع درآمد، وجود همبستگی مستقیم بین سطح آموزش فرد و درآمد وی در طول زندگی است. چون سطح درآمد به طور واضح منوط به سالهای تحصیلات کامل است، لذا اگر تعداد دانش آموزان یا دانشجویانی که از طبقات متوسطه بالای درآمدی هستند به تعداد نامتناسبی در ثبت نام دانشگاهها و دوره متوسطه حضور داشته باشند، نابرابریهای درآمدی تقویت می شود و فقر تداوم خواهد یافت. (همان ماخذ)

برخلاف مخارج آموزشی که فقط کیفیت منابع انسانی را افزایش می دهند، مخارج بهداشتی مقدار منابع انسانی را نیز در آینده به وسیله طولانی کردن زندگی انتظاری افزایش می دهند. هزینه های بهداشت نیز از عوامل تشکیل دهنده رشد اقتصادی است که در کنار نیروی کار و سرمایه فیزیکی می توانند باعث رشد اقتصادی کشور شوند. همچنین توجه به بهداشت و سرمایه گذاری روی آن موجب بهبود کیفیت نیروی انسانی می شود و این بهبود کیفیت نیروی انسانی نوعی سرمایه گذاری در نیروی انسانی محسوب می شود و این سرمایه گذاری موجب افزایش بهره‌وری نیروی کار و در نتیجه افزایش درآمدهای گروه های پایین درآمدی می شود.

در خصوص رابطه تامین اجتماعی و رشد اقتصادی، این مساله به خوبی مورد قبول واقع شده است که رابطه مستقیمی بین سلامتی و بهداشت کارگران و نیروی تولید صنعتی وجود دارد و از آنجایی که مزایای تامین اجتماعی به هنگام عارض شدن بیماری و حوادث در جهت بهبود و کمک به کارگران بکار می آید، بنابراین تامین اجتماعی مستقیماً در رشد اقتصادی مؤثر می باشد.

همچنین، از بعد دیگر یک سیستم تامین اجتماعی صحیح در مرحله اول نوعی ثبات در اقتصاد ملی ایجاد می کند و چون ثبات قدرت خرید نقش بسیار مؤثری در رشد اقتصادی دارد، می توان نتیجه گیری کرد که سیستم تامین اجتماعی معتبر خود انگیزه مؤثری در رشد اقتصادی است. اما منظور این نیست که تامین اجتماعی نمی تواند تأثیر منفی بر اقتصاد داشته باشد. مثلاً اگر توسعه تامین اجتماعی منتهی به کاهش در تولید شد یا اگر پس اندازهای ضروری برای رشد اقتصادی از افزوده شدن بازایستاد، نقش مثبت ثبات قدرت خرید که ناشی از آثار تامین اجتماعی می باشد، در مقابله با تأثیر منفی کاهش تولید یا پس انداز قرار خواهد گرفت.

همچنین، دولتها برای تأثیرگذاری بر توزیع درآمد و رفاه به اعمال سیاستهای اجتماعی می پردازند. رفاه اجتماعی از روش بازتوزیع درآمدها مستقیماً روی سید درآمدی خانوار مؤثر است زیرا از یک طرف دولت از برخی صاحبان درآمدهای بالا مالیات می گیرد و از طرف دیگر دولت به برخی صاحبان درآمدهای پایین، سوبسیدهایی را در قالب تامین اجتماعی می پردازد. به عبارت دیگر، دولت می تواند به نحوی باز توزیع درآمدها را تنظیم کند که باعث افزایش درآمد فقرا و تعدیل درآمد ثروتمندان شود و فاصله طبقاتی بین گروههای مختلف را -از نظر درآمد- کاهش دهد. چنانچه مخارج انتقالی دولت مثل سوبسیدها، کمکهای بلاعوض و تسهیلات مالی برای افراد کم درآمد افزایش یابد، در فاصله طبقاتی مؤثر خواهد بود.

عمده تحقیقات مرتبط با موضوع این تحقیق از دهه ۱۹۸۰ به بعد انجام گرفته است. برخی از این تحقیقات، بر حضور بیشتر و پررنگ‌تر دولت تأکید می‌کنند و بعضی دیگر، حضور بیشتر دولت در اقتصاد را مانعی برای رشد می‌دانند و برخی دیگر نیز حضور مثبت یا منفی دولت در اقتصاد را منوط به نوع حضور آن در اقتصاد می‌دانند.

الکسیوس (Alexious, ۲۰۰۹) با استفاده از داده‌های تابلویی برای ۷ کشور در حال گذار در اروپای شرقی به این نتیجه رسید که مخارج دولتی برای سرمایه‌گذاری، کمک‌های توسعه‌ای، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی اثر مثبت دارند. برتون (Burton, ۱۹۹۹) با کاربرد مدل تصحیح خطا برای بیست کشور OECD از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۹ به این نتیجه رسید که نسبت مخارج دولت به تولید ناخالص داخلی با پایدار ماندن نرخ بیکاری رابطه مثبت داشته است. در این زمینه پرداخت‌های انتقالی و یارانه‌ها با بیکاری رابطه مثبت و معنی‌دار داشته‌اند اما تامین کالاها و خدمات اثر معنی‌دار نداشته است. نوپ (knoop, ۱۹۹۹) بر اساس داده‌های سری زمانی کشور آمریکا طی دوره ۱۹۹۵-۱۹۷۰ نشان داد که بزرگ شدن اندازه دولت اثر معکوس بر رفاه و رشد اقتصادی دارد.

در مطالعات انجام شده توسط رام^۱ (۱۹۸۹)، کار^۲ (۱۹۸۹)، کاراس^۳ (۱۹۹۶) و نورزاد^۴ (۲۰۰۰)، حضور دولت در اقتصاد مثبت ارزیابی گردیده و همچنین نشان داده شده است که افزایش حضور دولت در اقتصاد، باعث رشد اقتصادی می‌شود. انگن و اسکینر (۱۹۹۲) با استفاده از یک نمونه ۱۰۷ کشوری طی دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ نشان دادند که سیاست مالی، افزایش بودجه متوازن مخارج دولت و مالیات‌ها رشد را کاهش می‌دهد.

لی‌ولین^۵ (۱۹۹۴) و گوسه^۶ (۱۹۹۷)، در مطالعات خود به این نتیجه رسیده‌اند که اندازه بزرگ دولت، مانعی برای رشد است. مطالعات ودر وگالوی^۷ (۱۹۹۸) و دی، استازی سیچ ولی^۸ (۲۰۰۱)، نشان می‌دهد که بین نوع حضور دولت و تأثیر آن بر اقتصاد، تمایز وجود دارد و در نهایت حضور دولت را در اقتصاد، بسته به نوع حضور آن، در بعضی موارد تأثیر مثبت و در برخی موارد تأثیر منفی بر اقتصاد دارد. بایرام (۱۹۹۰) به بررسی ارتباط مخارج دولت با رشد اقتصادی در بیست کشور آفریقایی پرداخت. وی نشان داد که در یازده کشور، افزایش مخارج دولت اثر معکوس بر رشد اقتصادی داشته و در نه کشور اثر مثبت داشته است.

منکیو، رومر و ویل^۹ (۱۹۹۲) در یک برآورد بین کشوری، توانایی مدل رشد سولو را برای بیان تفاوت‌های بین‌المللی در استاندارد زندگی ارزیابی کردند. آنان تابع تولید را کاب داگلاس با بازده ثابت به مقیاس و بازده نزولی سرمایه فرض کردند و به آن سطح برون‌زا پیشرفت فناوری و ذخیره سرمایه انسانی را افزودند و از سرمایه‌گذاری در آموزش متوسط به عنوان جانشین سرمایه انسانی استفاده کردند. آنان پژوهش خود را برای سه نمونه از کشورها برای دوره ۱۹۸۵-۱۹۶۰، انجام دادند و نتیجه گرفتند که متغیر سرمایه انسانی به صورت معنادار با رشد اقتصادی در ارتباط است. برآورد آنان از ضریب سرمایه انسانی بین ۰/۶۶ تا ۰/۷۶ بود.

۱. Ram

۲. Carr

۳. Karras

۴. Nourzad

۵. Lee and Lin

۶. Guseh

۷. Veder and Gallaway

۸. Day, starzicich and Lee

۹. Mankiw, Romer & weil

بارو^۱، برای صد کشور در دوره‌های ده ساله در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ برآوردهای بین‌کشوری انجام داد. او از روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای برای حل سه معادله همزمان استفاده کرد. او با ملاحظه نتایج دریافت کرد سال‌های آموزش در دوره متوسط و سطوح بالاتر برای مردان بالای ۲۵ سال به بالا اثر معنی‌داری بر رشد کشورها دارد. براساس برآورد وی، هر یک سال آموزش اضافی، نرخ رشد را حدود ۰/۴۴ درصد افزایش می‌دهد.

علاوه بر مطالعات تجربی که حاکی از اثر مثبت آموزش بر رشد اقتصادی است، مطالعات تجربی دیگری نیز وجود دارد که از معنادار نبودن اثر آموزش و در بخشی از موارد، منفی بودن آن بر رشد اقتصادی حکایت دارند که می‌توان به مطالعات پریچت^۲، لائو، جمیسن و لائو^۳ اشاره کرد.

از سوی دیگر، مطالعاتی در مورد اهمیت سلامت و بهداشت نیروی کار و اثر آن بر رشد اقتصادی وجود دارد. فوگل^۴، در مورد ارتباط بین رشد اقتصادی و وضعیت بهداشتی کشور بریتانیا در فاصله سال‌های ۱۷۸۰ تا ۱۹۷۹ مطالعاتی انجام داد که حاکی از تأثیر مثبت وضعیت بهداشتی بر رشد اقتصادی کشور مذکور داشت.

آرورا^۵، مطالعاتی برای درک تأثیر بهداشت بر رشد اقتصادی برای ۱۲۵-۱۰۰ سال اخیر در کشورهای نروژ، دانمارک، هلند، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، سوئد و فنلاند، انجام داد و نتیجه‌گیری کرد که ۳۰ تا ۴۰ درصد از رشد اقتصاد کشورهای مذکور را می‌توان به وضعیت بهداشتی آنها نسبت داد. آلسینا و رودریک (Alesina, Rodrik ۱۹۹۴) نشان دادند که تامین مخارج دولت برای اهداف توزیعی بر انباشت سرمایه اثر منفی دارد. ژایو و ژانگ (Zhao, Zhang ۲۰۰۵) نشان دادند که سیاست‌های اجتماعی دولت در بازتوزیع درآمدها نه تنها نابرابری را کاهش نداد بلکه آن را بدتر نیز نموده است.

استرلی و ریلو (۱۹۹۲) با استفاده از یک نمونه بزرگ از کشورها طی دوره ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۸ نشان دادند که نابرابری درآمد با مالیات بر درآمد بالاتر و سطح گسترده‌تر آموزش، فراهم شده توسط دولت، همراه بوده است.

در داخل کشور نیز، مرتضی سامتی (۱۳۷۲)، در رساله دکتری خود تحت عنوان اندازه مطلوب فعالیتهای اقتصادی دولت در ایران، فعالیتهای اقتصادی دولت را از سه بعد مورد توجه قرار داد. یکی از بعد بودجه عمومی دولت، دیگری از بعد بودجه شرکتهای دولتی و در نهایت از بعد قانونگذاری. نتایج نشان داد که امور اقتصادی هم از نظر عمرانی و هم از نظر جاری دارای اثرات مثبت بر رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی بوده و امور اجتماعی از نظر عمرانی دارای اثرات مثبت و از نظر جاری دارای اثرات منفی بر رشد حقیقی تولید ناخالص داخلی بوده است و امور عمومی از نظر بودجه عمرانی دارای اثرات منفی و از نظر بودجه جاری دارای اثرات منفی است.

رسول عادل زاده (۱۳۷۵)، در رساله خود به بررسی تأثیر برخی از متغیرهای عمده سیاست اجتماعی بر توزیع درآمدها در ایران پرداخت. این سیاست‌ها که به نام سیاست‌های اجتماعی شناخته شده‌اند، مواردی چون گسترش بهداشت، آموزش عمومی، تأمین اجتماعی و مسکن را در بر می‌گیرند. نتایج حاکی از آن بود که سیاست‌های اجتماعی از راه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و در نتیجه درآمدهای گروه‌های پایین درآمدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۱. Barro, ۲۰۰۰

۲. Pritchett, ۱۹۹۶

۳. Lau, Jemison and Louat, ۱۹۹۱

۴. Fogel, ۱۹۹۴

۵. Arora, ۱۹۹۹

سعید جوادی پور (۱۳۸۲) اثر مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داد. نتایج، حاکی از اثر معنادار مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب داشت.

بهزاد شیرازی رومنان (۱۳۸۳)، رابطه بین سطح و رشد اندازه دولت با سطح و رشد اقتصادی در ایران را مورد مطالعه قرار داد. در این تحقیق، به منظور بررسی دقیق تر، مصارف دولتی به تفکیک امور مختلف که شامل امور اجتماعی، اقتصادی، عمومی و دفاعی می باشد مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به نتایج، سطح بهینه مصارف دولت برابر $17/8$ درصد و برای امور اجتماعی، اقتصادی، عمومی و دفاعی به ترتیب $6/4$ ، $2/2$ و $6/9$ درصد برآورد شده است.

عزت اله درستکار (۱۳۸۳)، در رساله خود به تاثیر آموزش بر توزیع درآمد در ایران طی دوره ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۰ پرداخت. نتایج نشان داد که افزایش سطح سواد باعث بهبود در توزیع درآمدها شده و افزایش در پراکندگی سواد موجب وخیم تر شدن توزیع درآمدها گردیده است. امیر جمشید نژاد (۱۳۸۴) نیز در رساله خود به تاثیر آموزش بر رشد اقتصادی ایران پرداخت. نتایج بررسی حکایت از آن دارد که آموزش بر رشد اقتصادی ایران طی دوره ۸۲-۱۳۵۰، اثر مثبتی دارد.

دکتر پیرائی و علیرضا پور فرج (۱۳۸۳)، در مقاله خود اثر تغییر تامین مالی بودجه دولت بر رشد اقتصادی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج حاصله نشان داد که اثر اندازه جاری بر رشد، منفی و اثر اندازه عمرانی دولت بر رشد، مثبت است. همچنین انتقال مازاد تراز واگذاری خالص دارایی برای تامین کسری هزینه جاری، مخارج عمرانی را جیره بندی کرده و اثر مثبت اندازه عمرانی بر رشد را کاهش می دهد.

دکتر مرتضی سامتی، دکتر مجید صامتی و مهشید شاهچرا (۱۳۸۲) در مقاله خود جهت گیری های مناسب هزینه های جاری و عمرانی دولت به منظور دستیابی به رشد بهینه اقتصادی ایران را طی سالهای ۱۳۳۸-۱۳۷۸ مورد بررسی قرار دادند. نتایج بررسی نشان داد که هزینه های عمرانی در مقایسه با هزینه های جاری تاثیر بیشتری را بر رشد اقتصادی ایران دارد.

۳. روش تحقیق ، جامعه آماری و متغیرهای الگو:

این تحقیق از انواع پژوهش های کاربردی است. روش تحقیق ، علی و سببی است و روش جمع آوری داده ها و اطلاعات مورد نیاز، کتابخانه ای بوده است. در استخراج و تحلیل نتایج از الگوهای اقتصادسنجی استفاده شده است. داده ها و اطلاعات آماری، مربوط به کشور (جامعه) ایران است. دوره زمانی تحقیق سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۵ را در بر می گیرد و آمارها از آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ، مرکز آمار ایران و آمار سری های زمانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور استخراج شده اند.

متغیرهای مورد بحث در این تحقیق عبارتند از:

GDP: تولید ناخالص داخلی (ارزش پولی کالاها و خدمات تولید شده در کشور در یک سال)

G: هزینه های دولت (شامل بودجه عمومی دولت اعم از موارد مصارف سرمایه ای، هزینه ای و مالی است.)

SG: هزینه های اجتماعی دولت (شامل بودجه امور اجتماعی دولت است که قسمت اعظم آن مربوط به فصل های آموزش و بهداشت و درمان می شود.)

GINI: ضریب جینی (شاخصی است بین صفر و یک که برای اندازه گیری میزان نابرابری درآمد در یک جامعه به کار می رود.)

L: انباشت نیروی انسانی (موجودی نیروی شاغل کشور است.)

K: انباشت سرمایه (موجودی سرمایه فیزیکی کشور است.)

LITRAT: نرخ باسوادی (درصد افراد باسواد در جمعیت بزرگسال کشور است).

۴. ارائه الگو و روش برآورد آن:

در این تحقیق با توجه به مطالعات و روش شناسی سیمز^۱ (۱۹۸۰) در حوزه اقتصادسنجی الگوی خود توضیح برداری یا VAR^۲ در چهارچوب داده های سری زمانی مورد استفاده قرار گرفته است. روش VAR، از طریق درونزا فرض نمودن تمامی متغیرهای الگو و تابع قرار دادن آنها از مقادیر با وقفه تمامی متغیرهای درونزای الگو، از مدل سازی ساختاری اجتناب می نماید. شکل ریاضی یک الگوی VAR، به صورت زیر است:

$$y_t = A_1 y_{t-1} + \dots + A_p y_{t-p} + Bx_t + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در آن y_t برداری با k متغیرهای درونزا، x_t برداری با d متغیر برونزا، A_1, \dots, A_p, B ، ماتریس های ضرایبی هستند که باید برآورد شوند و ε_t ، برداری از اختلالات است که ممکن است به طور هم زمان همبسته باشند، اما با مقادیر با وقفه خودشان و سایر متغیرهای سمت راست الگو، ناهمبسته می باشند. از آنجایی که در این الگو، تنها مقادیر با وقفه متغیر درونزا در سمت راست هر یک از معادلات ظاهر می شوند، هم زمانی مسأله ای ایجاد نمی کند و روش OLS، برآوردهای سازگاری به دست می دهد. علاوه بر این حتی اگر اختلالات ε_t ، به طور هم زمان همبسته باشند، روش OLS کارا خواهد بود، چرا که تمامی معادلات، برآورد کننده های مشابهی دارند. قبل از برآورد الگوی VAR، بایستی در مورد انتخاب الگو از نظر گنجانیدن متغیرهای برونزا (مانند عرض از مبدأ و روند) یعنی تشخیص متغیرهای بردار X_t در معادله فوق و تعیین طول وقفه بهینه الگو، تصمیم گیری شود. انتخاب وقفه در الگو، براساس مقادیر معیارهای آکائیک^۳ (AIC)، شوارتز^۴ (SIC) و حنان کوئین^۵ (HQ) حاصل از نتایج برآورد VAR با مقادیر کمتر این متغیرها صورت می گیرد.

در تخمین یک الگوی VAR، لازم است که ابتدا، پایایی متغیرها مورد آزمون قرار گیرد. اگر این متغیرها، پایا نباشند پدیده رگرسیون کاذب^۶ رخ می دهد و امکان آن که هیچ رابطه اقتصادی واقعی وجود نداشته باشد، افزایش می یابد. در این تحقیق، برای آزمون پایایی یا ناپایایی متغیرهای مورد استفاده از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته^۷ (ADF)، استفاده شده است که نتایج آن در جدول زیر آمده است.

جدول (۱):

آمار	مقادیر بحرانی در سطح			با عرض از مبدأ	متغیر
	ADF	٪۱۰	٪۵		
۱/۷۲	-۲/۶۳	-۲/۹۷	-۳/۶۸	+	LNGDP
۱/۵۴	-۲/۶۲	-۲/۹۸	-۳/۷۱	+	LNG

۱. Sims

۲. vector Autoregressive Model

۱. Acaike Information criterion

۲. Schwarz Information criterion

۳. Hannan – Quinn Information criterion

۴. Spurious Regression

۵. Augmented Dicky – fuller Test

۳/۶۱	-۲/۶۲	-۲/۹۷	-۳/۶۸	+	LNK
۰/۸۹	-۲/۶۲	-۲/۹۶	-۳/۶۸	+	LNL
-۳/۶۳	-۲/۶۲	-۲/۹۷	-۳/۶۸	+	LNLITRAT
۱/۴۷	-۲/۶۴	-۲/۹۹	-۳/۷۴	+	LNSG

نتایج حاصله، حاکی از آن است که فرضیه H_0 مبتنی بر وجود ریشه واحد متغیرهای مورد نظر، در سطح بالایی از درجه اطمینان مورد تأیید قرار می‌گیرد که نشان دهنده ناپایایی متغیرهای مذکور است، ولی تکرار آزمون در مورد تفاضل داده‌ها، نشان می‌دهد که کلیه متغیرهای مدل، با یک بار تفاضل‌گیری در کلیه سطوح، پایا می‌شوند. به عبارت دیگر می‌توان چنین عنوان کرد که تمامی متغیرهای مورد مطالعه از درجه پایایی یا ایستایی $I(1)$ برخوردارند. در عین حال، اگر از تفاضل‌ها در برآورد ضرایب الگو استفاده کنیم، اطلاعات ارزشمندی در رابطه با سطح متغیرها را از دست خواهیم داد. بر این اساس، روش همجمعی (همگرایی)، تنها راه حلی است که بتوان رگرسیونی را بدون هراس از کاذب بودن، براساس سطح متغیرهای سری زمانی برآورد کرد. همگرایی از جمله موضوعات مهم در بحث سری‌های زمانی می‌باشد. همگرایی به معنای وجود رابطه تعادلی و بلندمدت بین متغیرهای سری‌های زمانی است. در این راستا، در بررسی و تعیین رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو از روش یوهانسون که در چند ساله اخیر تبدیل به ابزار اساسی در برآورد الگوهای اقتصادی سری زمانی شده، استفاده شده است. با استفاده از آزمون نسبت درست‌نمایی (L.R.test)، می‌توان مشاهده نمود که آماره $LR=24/92$ کوچکتر از مقادیر بحرانی در سطح ۵٪ می‌باشد و لذا نمی‌توان فرضیه $H_0: R \leq 1$ را رد کرد. در نتیجه وجود یک بردار همگرایی در سطح ۵٪ پذیرفته می‌شود. لذا بر این اساس الگوها، برآورد و نتایج تحلیل شده‌اند.

در تحقیق حاضر، ۴ الگو در نظر گرفته شده است که در الگوی اول، تأثیر بودجه‌های امور اجتماعی دولت، بودجه‌های عمومی دولت و انباشت نیروی انسانی بر روی تولید ناخالص داخلی مورد بررسی قرار گرفته است. الگوی دوم این تحقیق به بررسی ارتباط انباشت سرمایه و نرخ باسودای با تولید ناخالص داخلی پرداخته شده است. الگوی سوم، اثر بودجه‌های امور اجتماعی دولت، بودجه‌های عمومی دولت و انباشت نیروی انسانی بر ضریب جینی را بررسی می‌کند و مدل چهارم به بررسی ارتباط انباشت سرمایه و نرخ باسودای با ضریب جینی می‌پردازد. همان‌طور که قبلاً گفته شد، یکی از مسائل مهم در برآورد مدل VAR، مشخص کردن طول وقفه‌های بهینه است که باید در الگو وارد شود. در این جا، آزمون تعداد وقفه‌های بهینه بین ۰ و ۴، صورت گرفته است. از این رو برای مشخص کردن تعداد وقفه‌های بهینه، مدل انتخابی با متغیرهای لگاریتمی با ۴ وقفه آزمون شده است. با توجه به مقادیر آماره‌های این سه معیار آکاییک، شوارتز و حنان کوبین برای مدل اول، دوم و سوم، وقفه ۴ بعنوان وقفه بهینه پذیرفته شده است و در مدل چهارم وقفه ۳، وقفه بهینه شناخته شده است. نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR برای مدل‌های ۱ تا ۴ در پیوست آمده است.

به طور معمول، مشکل می‌توان ضرایب برآورد شده الگوی VAR را تفسیر نمود، به خصوص هنگامی که ضرایب با وقفه یک متغیر تغییر علامت بدهد، به همین دلیل است که تابع عکس‌العمل آنی^۱ را برآورد می‌کنند. در واقع، یکی از کاربردهای الگوی VAR که به وسیله سیمز (۱۹۸۰، ۱۹۸۱) و دیگران استفاده شده است، ردیابی واکنش الگو (متغیرها) در پی شوک در هر یک از متغیرهاست که در قالب توابع عکس‌العمل

۱. Impulse Response Function

آنی، بیان می‌شود. به عبارت دیگر، این توابع مسیر پویایی سیستم در پاسخ به شوک‌های وارده را نشان می‌دهد. برای پی بردن اثر شوک بر سیستم از نمایش میانگین متحرک الگوی VAR استفاده می‌شود.

$$X_t = \mu + \sum_{i=1}^{\infty} A_i X_{t-i} + \varepsilon_t \quad (2)$$

نمایش میانگین متحرک مدل بالا به صورت زیر خواهد بود.

$$X_t = \mu + \sum_{i=1}^{\infty} \mu_i \varepsilon_{t-i} \quad (3)$$

$$\mu = E(X_t) - (I - \phi - \dots - \phi_p)^{-1} \quad (4)$$

$$\mu_0 = I \quad \mu_i = \sum_{j=1}^{\min(p, i)} \phi_j \mu_{t-j} \quad (5)$$

که در این جا p ، رتبه وقفه یک الگوست. K امین عنصر از سوی μ_i نشان دهنده عکس‌العمل جمله k امین متغیر نسبت به یک شوک به متغیر Z ام در دوره قبل است. مشروط به اینکه اثر فوق به وسیله سایر شوک‌ها به سیستم ملحوظ نشده باشد.

در این تحقیق، تأثیر شوک در طی دوره ۱۰ ساله مورد بررسی قرار گرفته است. که نتایج حاصل از برآورد داده‌ها در پیوست آمده است. در واقع این جداول، نشان می‌دهند که اگر تغییر ناگهانی یا تکانه ای به اندازه یک انحراف معیار در هزینه های عمومی دولت، هزینه های اجتماعی دولت، انباشت نیروی انسانی، انباشت سرمایه و نرخ باسوادای ایجاد شود اثر آن بر تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی در دوره های بعد چگونه خواهد بود.

نتایج حاکی از آن است که اگر یک تغییر ناگهانی به اندازه یک انحراف معیار در هزینه های اجتماعی دولت رخ دهد، اثر خود را بر تولید ناخالص داخلی از دوره دوم نشان می‌دهد. این اثر در دوره دوم و سوم منفی است ولی از دوره چهارم به بعد موجب افزایش تولید ناخالص داخلی می‌شود. این اثر در دوره های بعد بیشتر می‌گردد. همچنین، نتایج بدست آمده، اثر مثبت هزینه های اجتماعی دولت بر ضریب جینی را نیز تایید می‌کند. اثر تکانه های هزینه های عمومی دولت، هزینه های اجتماعی دولت، انباشت نیروی انسانی، انباشت سرمایه و نرخ باسوادای بر تولید ناخالص داخلی و ضریب جینی در یک دوره ۱۰ ساله در نمودارهای ۱ تا ۴ در پیوست آمده است.

برای بررسی پویایی رفتار در الگوی VAR، علاوه بر معیار تابع عکس‌العمل آنی، از تجزیه واریانس^۱ (VD) نیز استفاده می‌شود. در تجزیه واریانس، سهم یا درصد مشارکت تکانه‌های حاصل در متغیرهای مذکور در واریانس خطای پیش‌بینی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج تجزیه واریانس در پیوست آمده است. تجزیه واریانس مربوط به تولید ناخالص داخلی نشان می‌دهد که در دوره اول صد در صد تغییرات ناشی از تولید ناخالص داخلی است. در دوره دوم، تغییرات تولید ناخالص داخلی، ۹۹ درصد مربوط به تولید ناخالص داخلی، ۰/۵ درصد مربوط به هزینه های عمومی دولت، ۰/۱۸ مربوط به انباشت نیروی انسانی و ۰/۰۷ درصد مربوط به هزینه های اجتماعی دولت می‌باشد. در دوره های بعد، اثر متغیر هزینه های اجتماعی دولت بر روی تولید ناخالص داخلی بیشتر شده، بطوریکه در دوره های هفتم و هشتم بیش از ۵۰ درصد از تغییرات

تولید ناخالص داخلی ناشی از هزینه های اجتماعی دولت می باشد. در جدول زیر تجزیه واریانس مربوط به تولید ناخالص داخلی نشان داده شده است:

PERIOD	S.E	LGDP	LG	LL	LSG
۱	۰/۰۵۹۸۴۳	۱۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۲	۰/۰۹۰۵۵۹	۹۹/۲۳۵۵۵	۰/۵۱۱۲۳۳	۰/۱۸۵۲۳۲	۰/۰۶۷۹۸۸
۳	۰/۱۰۷۳۰۴	۹۶/۴۳۱۹۳	۱/۴۶۱۹۰۲	۰/۶۹۹۶۴۱	۱/۴۰۶۵۲۸
۴	۰/۱۴۵۴۰۴	۵۴/۲۷۱۱۸	۳/۳۴۷۳۹۷	۱۱/۷۵۹۸۵	۳۰/۶۲۱۵۷
۵	۰/۱۶۶۱۱۶	۵۵/۳۶۳۴۷	۲/۹۵۲۸۱۳	۹/۰۳۲۱۱۱	۳۲/۶۵۱۶۱
۶	۰/۱۹۵۰۲۷	۴۶/۰۵۳۸۵	۴/۸۹۳۶۰۱	۱۰/۷۱۱۵۳	۳۸/۳۴۱۰۲
۷	۰/۷۰۸۹۰۶	۱۹/۴۹۴۸۵	۸/۲۹۰۱۷۴	۱۹/۰۶۳۲۸	۵۳/۱۵۱۶۹
۸	۱/۵۴۵۹۸۴	۳۰/۳۳۱۱۱	۷/۲۴۴۶۳۹	۹/۷۶۹۱۷۲	۵۲/۶۵۵۰۸
۹	۱/۸۱۰۸۹۰	۴۴/۹۹۱۴۶	۵/۶۱۴۸۸۲	۹/۵۶۹۸۸۷	۳۹/۸۲۳۷۷
۱۰	۴/۶۳۴۶۱۹	۳۳/۹۳۳۱۸	۶/۵۴۸۲۳۰	۱۶/۵۵۴۴۰	۴۲/۹۶۴۱۹

نتایج تجزیه واریانس متغیر ضریب جینی نشان می دهد که تغییرات ضریب جینی یا شاخص توزیع درآمد در دوره اول صد در صد توسط ضریب جینی توضیح داده می شود. در طی زمان و در دوره دوم تغییرات ضریب جینی، ۸۹ درصد توسط خود متغیر، ۶ درصد توسط هزینه های عمومی دولت، ۴ درصد توسط انباشت نیروی انسانی و تنها ۰/۲ درصد توسط هزینه های اجتماعی دولت توضیح داده می شود. اما در طی زمان اثر تغییرات ضریب جینی بیشتر در اثر هزینه های اجتماعی دولت بوجود آمده، بطوریکه در دوره سوم بیش از ۷۹ درصد از تغییرات این متغیر به هزینه های اجتماعی دولت مربوط می باشد که در جدول زیر آورده شده است:

PERIOD	S.E	LGINI	LG	LL	LSG
۱	۰/۰۲۵۴۶۹	۱۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰
۲	۰/۰۲۶۹۹۵	۸۹/۸۵۷۳۲	۵/۹۱۹۱۴۱	۴/۰۲۷۶۹۲	۰/۱۹۵۸۶۰
۳	۰/۰۳۱۹۷۵	۶۴/۸۱۸۹۴	۲۷/۰۶۷۲۱	۶/۷۶۳۷۹۰	۱/۳۵۰۰۵۷
۴	۰/۱۱۰۹۹۴	۱۶/۵۶۱۴۰	۲/۴۴۱۷۷۳	۱/۵۱۳۵۷۸	۷۹/۴۸۳۲۵
۵	۰/۱۸۷۴۵۸	۵۲/۱۷۳۱۷	۱/۳۷۰۴۱۶	۱۷/۴۶۸۸۷	۲۸/۸۰۷۵۴
۶	۰/۲۷۲۲۳۸	۲۵/۳۹۰۴۸	۱۳/۳۶۴۸۵	۱۲/۷۲۶۴۶	۴۸/۵۱۸۲۱
۷	۱/۴۲۰۳۷۹	۳/۱۹۴۰۴۶	۰/۵۰۱۲۵۱	۲/۹۴۴۱۴۵	۹۳/۳۶۰۵۶
۸	۲/۶۷۳۲۳۹	۴۹/۰۴۱۰۸	۱/۹۵۳۲۹۸	۲۰/۲۴۲۵۸	۲۸/۷۶۳۰۵

۹	۴/۶۳۹۵۹۶	۱۶/۳۸۶۷۵	۹/۳۰۶۰۲۱	۶/۸۷۶۳۰۰	۶۷/۴۳۰۹۳
۱۰	۱۹/۴۰۱۹۵	۱/۵۵۸۴۶۱	۰/۶۵۳۹۶۶	۵/۸۹۷۶۸۴	۹۱/۸۸۹۸۹

نتیجه گیری و پیشنهادات:

رشد اقتصادی و توزیع درآمد از مباحث مهم در علم اقتصاد است و همواره مورد توجه کارشناسان اقتصادی است. در این تحقیق، اثر بودجه امور اجتماعی دولت، به طور خاص و جدا از کل بودجه عمومی دولت در طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۸۵، بر رشد اقتصادی و توزیع درآمدها در ایران، مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج به دست آمده حاکی از تأیید اثر مثبت بودجه های اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی ایران طی دوره مورد بررسی می‌باشد. همچنین اثر بودجه های امور اجتماعی دولت بر روی توزیع درآمدها نیز مثبت برآورد گردیده است، به طوری که انتظار می‌رود با افزایش بودجه های امور اجتماعی دولت در ایران، توزیع درآمدها بهبود می‌یابد. البته همان طور که نتایج پژوهش نشان می‌دهد اثرات هزینه های اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و بهبود توزیع درآمدها بلافاصله و در همان سال یا سال بعد ظاهر نمی‌شود، بلکه به دلیل آنکه تبدیل این هزینه ها به سرمایه انسانی و اجتماعی مستلزم گذشت زمان است این آثار مثبت نیز در چند سال بعد بروز می‌نماید.

بنابراین پیشنهاد می‌شود با توجه به اثر بودجه های امور اجتماعی دولت بر رشد اقتصادی و همچنین توزیع عادلانه‌تر درآمدها، مواردی چون گسترش آموزش، گسترش بهداشت عمومی، تأمین اجتماعی در تخصیص منابع بودجه عمومی توسط دولت در اولویت قرار گیرند و اگر در سال های خاص به دلیل کاهش منابع بودجه ای یا سیاست های کوچک شدن اندازه دولت از بودجه های عمومی دولت، بنا به دلایلی کاسته شود، بودجه های امور اجتماعی دولت که اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد اقتصادی و رفاه دارد، همچنان ثابت باقی مانده یا به آن افزوده شود. زیرا در نظر گرفتن این سیاست‌های اجتماعی در تخصیص منابع از راه سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی، بهره‌وری نیروی کار را افزایش داده و در بلندمدت، درآمدهای گروه های پایین درآمدی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب برابرتر شدن توزیع درآمدها می‌گردد.

پیوست:

نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR برای مدل ۱ :

$$\begin{aligned} \text{LGDP} = & ۱.۰۰۳۶۶۰۸۹۹ * \text{LGDP}(-۱) - ۰.۵۵۱۶۴۵۹۷۳۱ * \text{LGDP}(-۲) - ۰.۱۳۳۳۲۰۷۴۷۴ * \text{LGDP}(-۳) + \\ & ۰.۰۶۱۰۰۳۰۱۹۴۵ * \text{LGDP}(-۴) - ۰.۰۶۸۴۰۲۶۵۳۲۲ * \text{LG}(-۱) + ۰.۰۲۳۶۷۹۴۶۶۳۸ * \text{LG}(-۲) - ۰.۱۲۹۲۶۶۱۸۶ * \text{LG}(-۳) + \\ & ۰.۱۴۷۹۸۷۸۱۵ * \text{LG}(-۴) + ۱.۴۲۸۶۷۳۲۱۶ * \text{LL}(-۱) - ۱.۰۵۶۰۳۱۴۸۸ * \text{LL}(-۲) + ۳.۸۸۳۱۵۵۹۳۳ * \text{LL}(-۳) - \\ & ۱.۴۳۲۵۹۶۱۲۵ * \text{LL}(-۴) + ۰.۰۰۲۳۹۷۰۴۴۳۵۹ * \text{LSG}(-۱) + ۰.۰۱۴۹۸۹۰۷۱۰۹ * \text{LSG}(-۲) - ۰.۰۹۵۹۷۱۸۳۷۳۵ * \text{LSG}(-۳) + \\ & ۰.۰۸۲۶۷۳۳۱۹۳۹ * \text{LSG}(-۴) + ۷.۱۸۶۳۹۱۹۸۴ \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{LG} = & ۱.۱۳۹۷۷۰۰۳ * \text{LGDP}(-۱) - ۰.۵۲۶۹۱۶۸۵۲۵ * \text{LGDP}(-۲) + ۰.۷۳۲۵۴۰۶۰۲ * \text{LGDP}(-۳) + \\ & ۰.۰۲۴۹۲۰۶۹۰۲۹ * \text{LGDP}(-۴) + ۰.۵۵۶۲۵۳۹۲۸۳ * \text{LG}(-۱) + ۰.۰۱۹۷۳۶۹۲۳۹۱ * \text{LG}(-۲) - ۰.۸۴۱۷۹۲۴۳۰۱ * \text{LG}(-۳) - \\ & ۰.۰۰۵۶۴۷۳۷۵۰۵۳ * \text{LG}(-۴) - ۰.۰۵۲۹۱۱۳۶۹۸۵ * \text{LL}(-۱) - ۵.۵۶۰۸۶۵۷۳۳ * \text{LL}(-۲) - ۴.۵۹۷۲۰۶۸۶۷ * \text{LL}(-۳) + \\ & ۱۱.۵۹۱۱۲۴۰۴ * \text{LL}(-۴) + ۰.۰۱۸۱۸۸۲۰۴۱ * \text{LSG}(-۱) - ۰.۰۱۰۴۳۶۱۸۰۲۹ * \text{LSG}(-۲) + ۰.۷۷۶۳۳۰۰۰۷۳ * \text{LSG}(-۳) + \\ & ۰.۱۴۴۴۶۸۰۰۹۱ * \text{LSG}(-۴) - ۳۸.۶۴۳۱۸۲۶۶ \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{LL} = & - ۰.۰۳۰۷۳۲۵۷۸۲۱ * \text{LGDP}(-۱) - ۰.۰۱۳۹۴۶۷۰۷۴۵ * \text{LGDP}(-۲) - ۰.۰۰۱۶۱۲۹۶۷۹۱۷ * \text{LGDP}(-۳) - \\ & ۰.۰۳۸۱۴۶۴۹۱۵۶ * \text{LGDP}(-۴) + ۰.۰۰۵۹۵۰۷۴۱۲۱۴ * \text{LG}(-۱) - ۰.۰۰۹۴۶۱۴۰۹۶۲۲ * \text{LG}(-۲) + ۰.۰۰۵۳۰۳۹۱۳۴۳۵ * \text{LG}(-۳) \\ & + ۰.۰۱۹۳۵۰۳۶۰۰۸ * \text{LG}(-۴) + ۰.۹۷۳۴۰۰۹۶۶۷ * \text{LL}(-۱) - ۰.۳۱۰۸۴۳۳۷۱۵ * \text{LL}(-۲) + ۰.۱۰۵۴۸۵۱۴۰۹ * \text{LL}(-۳) + \\ & ۰.۱۳۳۰۶۳۲۰۹۹ * \text{LL}(-۴) - ۰.۰۰۳۰۳۶۹۰۲۱۲۴ * \text{LSG}(-۱) + ۰.۰۰۵۹۹۶۶۳۷۰۸ * \text{LSG}(-۲) + ۰.۰۰۲۱۵۰۱۸۱۰۸۴ * \text{LSG}(-۳) \\ & + ۰.۰۰۱۲۸۲۳۱۵۵۶۵ * \text{LSG}(-۴) + ۱.۷۰۵۱۵۰۸۱ \end{aligned}$$

$$\begin{aligned} \text{LSG} = & - ۵۸.۰۰۱۷۳۴۰۵ * \text{LGDP}(-۱) - ۶.۲۵۰۳۲۷۸۳۱ * \text{LGDP}(-۲) + ۲.۴۶۶۵۹۶۴۸۶ * \text{LGDP}(-۳) - \\ & ۱۰.۱۵۶۹۵۲۵۴ * \text{LGDP}(-۴) - ۰.۹۷۳۱۴۲۶۰۰۲ * \text{LG}(-۱) + ۱.۹۲۳۱۱۹۹۷۳ * \text{LG}(-۲) - ۶.۳۳۶۲۴۳۲۲۹ * \text{LG}(-۳) - \\ & ۳۶.۰۲۸۸۳۲۲۶ * \text{LG}(-۴) + ۶۷.۷۳۴۶۵۴۵۹ * \text{LL}(-۱) - ۱۳۶.۰۶۹۵۶۱۵ * \text{LL}(-۲) - ۲۹.۵۳۷۳۵۸۸۶ * \text{LL}(-۳) + \end{aligned}$$

$$86.58426651*LL(-4) + 0.3680758031*LSG(-1) - 0.2282140794*LSG(-2) + 7.331654295*LSG(-3) + 5.972674923*LSG(-4) + 158.2276895$$

نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR برای مدل ۲:

$$LGDP = 0.187359586*LGDP(-1) - 0.1993989669*LGDP(-2) - 0.791520558*LGDP(-3) + 0.4297041699*LGDP(-4) + 2.152188837*LK(-1) - 0.152262488*LK(-2) - 0.393033785*LK(-3) - 0.7679220104*LK(-4) + 1.357486626*LLITRAT(-1) - 0.3667118923*LLITRAT(-2) + 0.2707709826*LLITRAT(-3) + 0.3047558928*LLITRAT(-4) + 1.072345677$$

$$LK = 0.2383922335*LGDP(-1) + 0.2242327731*LGDP(-2) - 0.4266202808*LGDP(-3) + 0.3046271354*LGDP(-4) + 1.487637733*LK(-1) - 0.5533348033*LK(-2) + 0.6341510276*LK(-3) - 0.6384480265*LK(-4) + 0.5323681421*LLITRAT(-1) - 0.5279092743*LLITRAT(-2) + 0.2052952778*LLITRAT(-3) - 0.2068404777*LLITRAT(-4) - 0.6650717938$$

$$LLITRAT = -0.1695144454*LGDP(-1) - 0.09582004951*LGDP(-2) - 0.3810391891*LGDP(-3) - 0.09056865197*LGDP(-4) + 0.2445530989*LK(-1) - 0.05282698914*LK(-2) + 0.1828997721*LK(-3) - 0.1569514444*LK(-4) + 1.116906141*LLITRAT(-1) - 0.066588859278*LLITRAT(-2) - 0.2274252085*LLITRAT(-3) + 0.3740788334*LLITRAT(-4) + 0.8132638$$

نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR برای مدل ۳:

$$GIN = -0.1787306911*GIN(-1) - 0.4084293258*GIN(-2) - 0.2111598725*GIN(-3) + 0.2511026121*GIN(-4) - 0.4417425492*LG(-1) + 0.9765217896*LG(-2) + 0.4806955391*LG(-3) - 0.0843349009*LG(-4) - 1.447784284*LL(-1) + 2.888613121*LL(-2) + 0.5610960183*LL(-3) - 1.963095565*LL(-4) + 0.01326923914*LSG(-1) + 0.002401531237*LSG(-2) + 0.9523389212*LSG(-3) + 0.0009811364283*LSG(-4) - 0.8156143184$$

$$\begin{aligned}
LG = & - ۳.۰۶۶۲۷۵۷۶۳*GIN(-۱) - ۱.۷۷۹۸۵۱۸۳۸*GIN(-۲) - ۰.۱۱۸۸۳۱۹۹۷*GIN(-۳) - ۰.۰۲۶۹۴۰۲۸۱۳۶*GIN(-۴) \\
& + ۰.۴۸۶۶۷۴۰۵۸۷*LG(-۱) + ۰.۰۳۹۳۲۷۵۶۴۱۴*LG(-۲) - ۰.۳۵۷۱۱۵۷۳۱۶*LG(-۳) - ۰.۱۱۳۷۵۵۱۶۶۵*LG(-۴) - \\
& ۳.۷۰۷۶۳۶۵۳۹*LL(-۱) + ۲.۰۳۴۲۹۶۳۲۵*LL(-۲) - ۳.۹۱۲۴۱۴۵.۵*LL(-۳) + ۹.۳۶۷۷۳۳۸۳*LL(-۴) + \\
& ۰.۰۲۴۷۲۲۳۲۴۴۸*LSG(-۱) - ۰.۰۰۵۱۲۰۴۰۵۰۷۵*LSG(-۲) + ۰.۵۶۳۷۰۶۷۱۴۳*LSG(-۳) - ۰.۰۰۹۹۳۳۶۱۸۶۹*LSG(-۴) - \\
& ۴۴.۳۵۸۱۱۵۷۷
\end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
LL = & - ۰.۱۶۰۰۵۶۹۲۶۳*GIN(-۱) + ۰.۰۳۷۸۹۹۴۸۰۱۵*GIN(-۲) - ۰.۰۱۴۸۷۹۳۰۲۹۶*GIN(-۳) - \\
& ۰.۰۶۳۶۳۴۳۳۹۳۸*GIN(-۴) - ۰.۰۰۸۸۰۶۹۷۰۵۱*LG(-۱) - ۰.۰۰۴۰۲۸۵۱۸۳۱۷*LG(-۲) + ۰.۰۱۷۱۸۹۹۱۶۴۲*LG(-۳) + \\
& ۰.۰۰۰۴۴۶۴۰۶۷۶۰۷*LG(-۴) + ۱.۲۹۶۸۷۶۳۴۶*LL(-۱) - ۰.۶۴۲۹۸۷۳۵۰۳*LL(-۲) + ۰.۲۴۹۱۹۹۹۴۶۷*LL(-۳) + \\
& ۰.۰۰۴۹۴۸۸۲۱۰۴۳*LL(-۴) - ۰.۰۰۳۴۱۶۲۹۴۲۹۱*LSG(-۱) + ۰.۰۰۸۰۱۱۵۴۳۶۲۲*LSG(-۲) - ۰.۰۰۷۰۸۷۷۹۷۴۴۷*LSG(-۳) \\
& + ۰.۰۱۰۷۵۴۴۵۸*LSG(-۴) + ۰.۵۰۶۷۰۰۲۱۱۴
\end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
LSG = & ۴۱.۱۳۳۴۸۴۴۶*GIN(-۱) + ۴۹.۰۲۲۱۷۹۴۸*GIN(-۲) + ۱.۳۳۳۳۸۷۸۲۴*GIN(-۳) - ۵.۳۶۶۲۹۶۵۱۱*GIN(-۴) + \\
& ۰.۶۲۸۵۹۸۵۸۷۳*LG(-۱) - ۲.۰۱۶۸۹۳۸۹۵*LG(-۲) - ۱۳.۶۹۴۰۸۵۷۹*LG(-۳) - ۵.۳۷۳۴۰۶۷۴۷*LG(-۴) + \\
& ۱۸۷.۶۱۲۸۵۳۲*LL(-۱) - ۳.۹.۵۶۳۸۳۵۳*LL(-۲) - ۱۳۷.۷۷۰۹۹۹۴*LL(-۳) + ۲۲۴.۵۶۳۸۷۵۳*LL(-۴) + \\
& ۰.۰۳۷۹۵۱۷۳۶۹۹*LSG(-۱) - ۰.۰۳۲۹۰۲۴۷۰۹۱*LSG(-۲) + ۱۳.۰۱۷۷۹۷۸۶*LSG(-۳) + ۱۰.۹۸۳۶۳۸۹۸*LSG(-۴) + \\
& ۹۱.۵۶۳۱۰۸۷۹
\end{aligned}$$

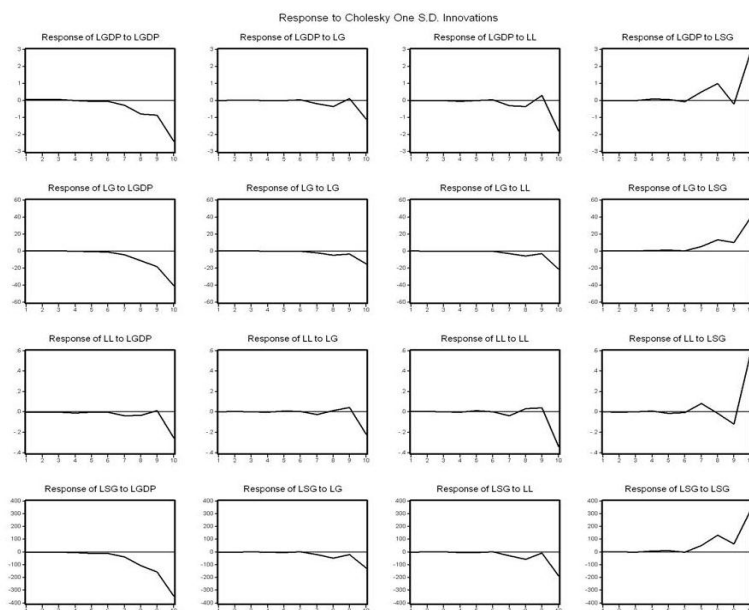
نتایج حاصل از تخمین الگو به روش VAR برای مدل ۴:

$$\begin{aligned}
GIN = & - ۰.۱۱۲۶۹۰۴۳۲۳*GIN(-۱) - ۰.۰۶۱۳۵۸۷۵۵۲۳*GIN(-۲) - ۰.۳۵۰۲۳۶۵۱۶۴*GIN(-۳) \\
& + ۰.۰۶۳۰۲۷۷۲۸۱۳*LK(-۱) + ۰.۲۲۲۹۶۲۲۹۳۹*LK(-۲) - ۰.۰۷۹۷۱۴۲۱۰۴۹*LK(-۳) - ۰.۰۰۵۱۳۳۷۷۹۱۵*LITRAT(-۱) \\
& + ۷.۶۹۵۳۴۰۶۵۹e-۰۰۵*LITRAT(-۲) + ۰.۰۰۳۵۶۰۴۰۲۸۴۶*LITRAT(-۳) - ۲.۲۷۴۴۳۹۵۳۸
\end{aligned}$$

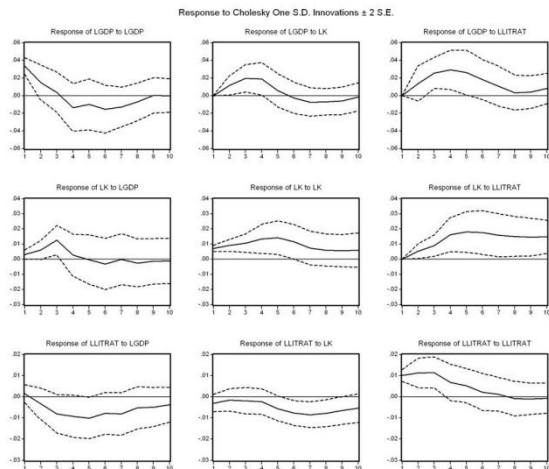
$$\begin{aligned}
LK = & ۰.۱۰۷۰۹۲۲۴۹*GIN(-۱) + ۰.۳۰۵۴۰۲۸۲۵۴*GIN(-۲) + ۰.۰۰۶۷۶۳۹۸۷۸۹۳*GIN(-۳) + ۰.۸۰۹۸۹۱۶۱۱۲*LK(-۱) \\
& + ۰.۱۹۳۷۶۸۷۳۱*LK(-۲) + ۰.۰۱۲۶۶۱۸۲۳۰۲*LK(-۳) + ۰.۰۰۷۸۷۳۹۴۲۵۳۹*LITRAT(-۱) + \\
& ۰.۰۰۱۲۳۱۵۰۰۰۸۱*LITRAT(-۲) - ۰.۰۰۵۷۲۱۷۱۰۰۱۹*LITRAT(-۳) - ۰.۰۷۹۲۶۲۹۳۰۶
\end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 \text{LITRAT} = & ۲۱.۰۸۸۵۵۸۵۴ * \text{GIN}(-۱) + ۴.۹۶۷۸۴۶۲۳۵ * \text{GIN}(-۲) + ۱۰.۸۱۷۴۸۹۲۸ * \text{GIN}(-۳) - ۱۲.۹۱۱۲۳۲۸۴ * \text{LK}(-۱) \\
 & - ۹.۲۷۰۲۳۹۷۱۶ * \text{LK}(-۲) + ۱۶.۹۱۵۲۴۱۳۱ * \text{LK}(-۳) + ۱.۰۵۴۷۱۸۴۱۵ * \text{LITRAT}(-۱) + \\
 & ۰.۱۷۲۹۸۷۳۴۱۲ * \text{LITRAT}(-۲) - ۰.۱۴۴۵۲۳۰۴۵۳ * \text{LITRAT}(-۳) + ۱۰۱.۷۸۳۱۲۳۳
 \end{aligned}$$

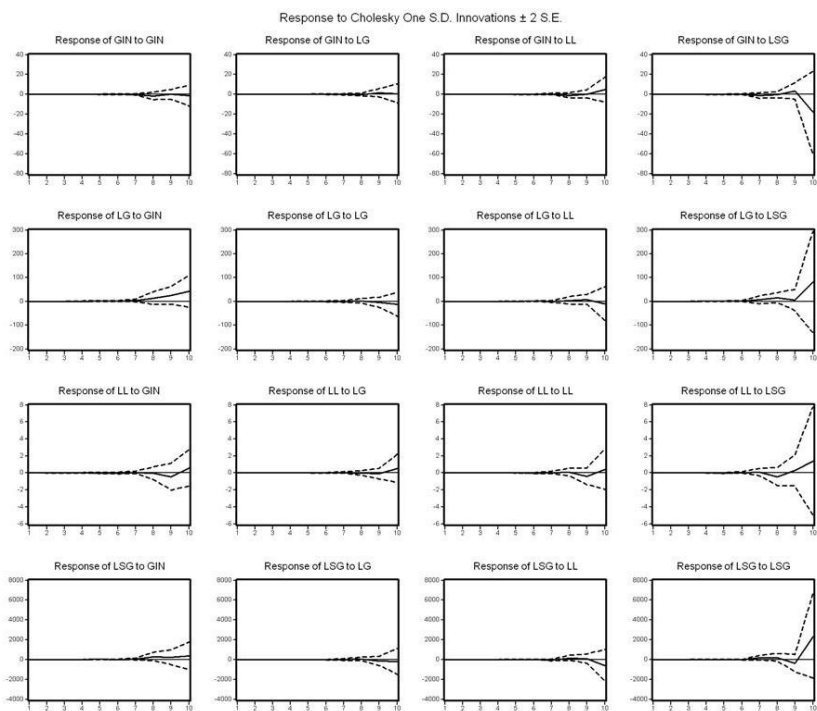
نمودار ۱: اثر شوک بر روی تولید ناخالص داخلی در مدل ۱



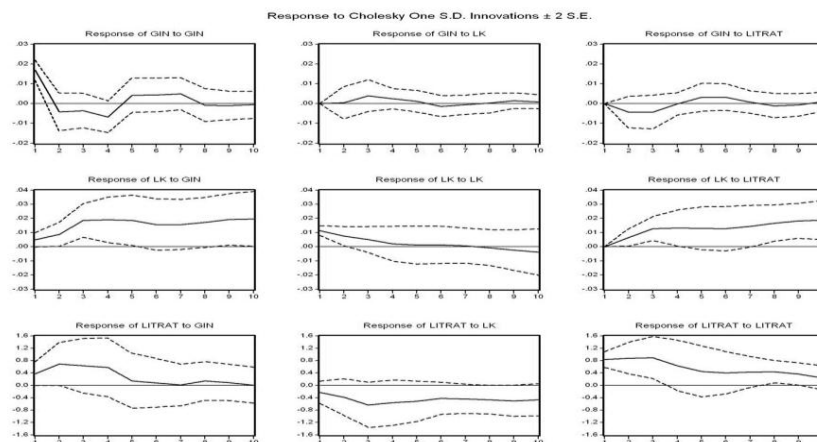
نمودار ۲: اثر شوک بر روی تولید ناخالص داخلی در مدل ۲



نمودار ۳: اثر شوک بر روی ضریب جینی در مدل ۳



نمودار ۴: اثر شوک بر روی ضریب جینی در مدل ۴



منابع:

۱. انصاری، شاهرخ. (۱۳۷۸). بودجه ریزی دولتی در ایران، تهران، انتشارات کسری.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، حساب های ملی ایران، سال های مختلف.
۳. بگستروم، ویلی (۱۳۷۸). دولت و رشد، انتشارات مرکز مدارک اقتصادی و اجتماعی سازمان برنامه و بودجه
۴. پورمقیم، سید جواد. (۱۳۷۸). اقتصاد بخش عمومی. تهران، نشر نی.
۵. پیرائی، خسرو. (۱۳۸۳). اثر تغییر ساختار تامین مالی بودجه بر رشد اقتصادی در ایران، مجله تحقیقات اقتصادی
۶. تودارو، مایکل. (۱۳۶۵). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، سازمان برنامه و بودجه
۷. جمشیدنژاد، امیر. (۱۳۸۴). تاثیر آموزش بر رشد اقتصادی در ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران
۸. جوادی پور، سعید. (۱۳۸۲). اثر مخارج بهداشتی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۹. درستکار، عزت الله. (۱۳۸۳). بررسی تاثیر آموزش رسمی بر توزیع درآمد در ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. رجب پور بیشه، محمد (۱۳۸۴). بررسی اندازه دولت و حد مطلوب آن با توجه به تاثیر آن بر رشد اقتصادی، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه ریزی، قانون بودجه جمهوری اسلامی ایران در سال های مختلف
۱۲. سامتی، مرتضی. (۱۳۸۲). اندازه گیری مقادیر بهینه فعالیت های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی ایران طی سال های ۱۳۷۷-۱۳۵۸. مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۲.
۱۳. سامتی، مرتضی. (۱۳۷۲). اندازه مطلوب فعالیت های دولت در ایران. پایان نامه دکترا، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. سرپوش، سمیرا. (۱۳۸۴). بررسی تاثیر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
۱۵. شیرازی رومنان، بهزاد (۱۳۸۳). رابطه بین سطح و رشد اندازه دولت با سطح و رشد اقتصادی در ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش.

۱۶. عادل زاده، رسول. (۱۳۷۵). بررسی تاثیر برخی از سیاستهای عمده سیاست اجتماعی بر توزیع درآمد در ایران. رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
۱۷. عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۲). اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان، انتشارات کسری.
۱۸. فرزیب، علیرضا. (۱۳۷۵). بودجه ریزی دولتی در ایران. تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
۱۹. میرزاحمدی، سعید. (۱۳۷۰). ارزیابی تأثیر هزینه‌های دولت در رشد اقتصادی با نگاهی به وضعیت ایران ۶۷-۱۳۳۸. رساله کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران.
۲۰. نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۸۰) دانشنامه اقتصاد آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش
۲۱. نیلی، مسعود و شهاب نفیسی. (۱۳۸۲). رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر توزیع تحصیلات نیروی کار در ایران سال‌های ۱۳۷۹ - ۱۳۴۵. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۷.
۲۲. ویزی، جان. (۱۳۵۱). اقتصاد آموزش و پرورش. ترجمه محمد برهان منش، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. هژبر کیانی، کامبیز. (۱۳۶۹). اقتصاد سنجی و کاربرد آن. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی.
۲۴. Bairam, E. (۱۹۹۰), "Government size and Economic G in the African", Applied Economics, pp. ۱۴۲۷-۱۴۳۵.
۲۵. Barr· R. J. (۱۹۹۰). Government spending hn a simple model of growth, Journal of political economy ۹۸(۵)
۲۶. Barro. R.J. (۲۰۰۰), "Education and Economic Growth", working paper, Harward university.
۲۷. Burton A. (۱۹۹۹), "The Effects of Government Size on the Unemployment Rate", Public Choice (۹۹)
۲۸. Carnoy M. Levin H. (۱۹۸۵) Schooling and work in democratic state. Stanford university press Californha
۲۹. Easterly, W. Rebelo, S. (۱۹۹۳) Fiscal policy and growth, Journal of monetary economics
۳۰. Engen E. and Skinner, J. (۱۹۹۳) Fiscal policy and economic growth, NBER working paper
۳۱. Guseh, J.S. (۱۹۹۷), Government size and economic growth in developing countries: A political economy framework, Journal of Mocreconomics.
۳۲. Karras, G. (۱۹۹۶), The optimal government size: further internation evidence on the productivity of government size, Economic Inquiry.
۳۳. King R. and Rebelo S. (۱۹۹۰) Public policy and economic growth, develophng neoclassical implications, Journal of political economy ۹۸(۵)

૩૬. Knoop T. A. (૧૯૯૯), "Growth, Welfare and the Size of the Government" Journal of Economic Inquiry ૩૭(૧)
૩૭. Landau, D. (૧૯૮૩), Government Expenditure and Economic growth: A cross – country study, southern Economic Journal.
૩૮. Lee, w. and Gregorio, J, (૧૯૯૯). "Education and Income distribution: New Evidence from cross country Data, Development Discussion paper No. ૧૧૬ , Harvard Institute for International Development.
૩૯. Myrdal D. C. (૧૯૬૦), Beyond the welfare state, Yale university press
૪૦. Perotti, R. (૧૯૯૨), Income Distribution, Politics and Growth, American Economic Review.
૪૧. Ram, R. (૧૯૮૬), Government size and economic growth: A new framework and some evidence from cross – section and time – series data, The American Economic
૪૨. Zhao S. Zhang L. , (૨૦૦૬), "Economic Growth and Income Inequality in Hong Kong, Trends and Explanations", China an International Journal ૨
૪૩. Alesina A. Rodrik D. (૧૯૯૬), "The Political Economy of Growth", World Bank Economic Review ૮
૪૪. Alexious Constantinos (૨૦૦૯), Government Spending and Economic Growth, Journal of Economic and Social Research ૧૧(૧)

Public social expenditure effects on economic growth and income distribution in Iran

Gholamreza Geraeinejad^۱

Hossein Mirzaei^۲

Maryam Hajitaheri^۳

Abstract :

Investigating annual public budgets and its effect on economic growth and income distribution alone may mislead policy makers because the main sector component of budgets are more important in such surveys. In this article we try to investigate social affair budgets contribution on economic growth and income distribution in Iran in ۱۳۷۵-۱۳۸۵. We used time series data and VAR model in order to investigate the relation between economic growth (and income distribution) with whole public budgets, public social affair budgets, literacy rate, capital stock, labor force stock. The results of Impulse Response Function show that government social budgets have positive and meaningful effects on Iran economic growth and improvement of income distribution. Also, the results of Variance Decomposition show that government social budgets are the most important effective variable on incomes growth and income distribution. Therefore, according to positive effect of social affair budgets on economic growth and income distribution, the authorities and policy makers should pay attention to it and do not let reducing it during financial recession or economic adjustment policies.

Key Words: Economic Growth, Income Distribution, Social affair budgets, Public budgets.

JEL Classification: H۵۰

^۱. Assistan Proffesor, Azad University, Central Theran Branch, E.Mail: r_geraei@yahoo.com

^۲. Assistan Proffesor, Azad University, Central Theran Branch, E.Mail: h_mirzaie@iauctb.ac.ir

^۳. MA in Economics, E.Mail: mar.taheri@yahoo.com